اَلدَّرْسُ السّابِعُ

درس هفتم

يا مَنْ فِي الْبِحارِ عَجائِبُهُ من دُعاءِ الْجَوشَنِ الْكَبيرِ

ای کسی که در دریاها شگفتی‌هایش است از دعای جوشن کبیر

يُشاهِدُ أَعضاءُ الْأُسرَةِ فِلْماً رائِعاً عَنِ الدُّلفينِ الَّذي أَنقَذَ إِنساناً مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشّاطِئِ.

مشاهده می‌کنند اعضای خانواده فیلمی جالب از دلفینی که نجات داد انسانی را از غرق شدن، و رساند او را به ساحل.

حامِدٌ: لا أُصَدِّقُ؛ هذا أَمرٌ عَجيبٌ. يُحَيِّرُني جِدّاً.

حامد: باور نمی‌کنم این امر عجیبی است. واقعاً حیران می‌کند.

الْأَبُ: يا وَلَدي، لَيْسَ عَجيباً، لِأَنَّ الدُّلفينَ صَديقُ الْإِنسانِ فِي الْبِحارِ.

پدر: ای فرزندم: عجیب نیست، زیرا دلفین دوست انسان است در دریاها.

صادِقٌ: تَصديقُهُ صَعبٌ! يا أَبي، عَرِّفْنا عَلىٰ هذَا الصَّديقِ.

صادق: باورش سخت است! ای پدرم، معرفی کن این دوست را به ما.

الْأَبُ: لَهُ ذاكِرَةٌ قَويَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفوقُ سَمْعَ الْإِنسانِ عَشْرَ مَرّاتٍ، وَ وَزنُهُ يَبلُغُ ضِعْفَي وَزنِ الْإِنسانِ تَقريباً، وَ هوَ مِنَ الْحَيَواناتِ اللَّبونَةِ الَّتي تُرضِعُ صِغارَها.

پدر: حافظه‌ای قوی دارد، و شنوایی‌اش ده برابر بالاتر از شنوایی انسان است، و وزنش می‌رسد به دو برابر وزن انسان تقریباً، و آن از حیوانات پستاندار است که شیر می‌دهد به بچه‌هایش.

نورا: إِنَّهُ حَيَوانٌ ذَكيٌّ يُحِبُّ مُساعَدَةَ الْإِنسانِ! أَ لَيْسَ كَذٰلِكَ؟

نورا: همانا آن حیوان باهوشی است که دوست دارد کمک کردن به انسان را! آیا چنین نیست؟

الْأَبُ: بَلىٰ؛ بِالتَّأكيدِ، تَستَطيعُ الدَّلافينُ أَنْ تُرشِدَنا إِلىٰ مَكانِ سُقوطِ طائِرَةٍ أَوْ مَكانِ غَرَقِ سَفينَةٍ.

پدر: بله قطعاً، می‌توانند دلفین‌ها که راهنمایی کنند ما را به مکان افتادن پرنده‌ای یا مکان غرق شدن یک کشتی.

الْأُمُّ: تُؤَدّي الدَّلافينُ دَوراً مُهِمّاً فِي الْحَربِ وَ السِّلْمِ، وَ تَكْشِفُ ما تَحْتَ الْماءِ مِنْ عَجائِبَ وَ أَسرارٍ، وَ تُساعِدُ الْإِنسانَ عَلَى اكْتِشافِ أَماكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسماكِ.

مادر: ایفای می‌کنند دلفین‌ها نقشی مهم در جنگ و صلح و کشف می‌کنند آنچه زیر آب است از شگفتی‌ها و اسرار و کمک می‌کنند به انسان بر کشف مکان‌های جمع شدن ماهی‌ها.

